

## ( خلفاء بعد از پیغمبر )

اولیات عمر که علماء شیعه از آن به مطاعن تعبیر میکنند و علماء عامه بکرامت کتاب تاریخ خلفاء و تاریخ حیات الاسلام و سایر تواریخ عامه مینویسند عمر اولین کسی بود که خود را ملقب با میرالمومنین نمود. مردم ابی بکر را خلیفه رسول الله و عمر را خلیفه رسول الله میگفتند پس از چندی عمر بفرماندار عراق نوشت مرد زهرکی را نزد من بفرست تا از اوضاع عراق پرسشهایی از او شود. حاکم عراق ربيعة بن لبید و عدی بن حاتم را انتصاب نموده بدین فرستاد چون این دو نفر وارد مدینه شدند نزدیک در مسجد عمرو عاص را ملاقات نموده گفتند از امیرالمومنین برای ما اجازه ورود بگیر. عمر و عاص گفت چه لقب خوبی؟! آنکاه وارد شد و عمر گفت: السلام عليك یا امیرالمومنین. عمر گفت این طرز سلام چرا؟ عمرو عاص گفت دو نفر عراقی آمده اند و چنین گفتند. بعضی میگویند که مغیره هنگامیکه فرماندار کوفه بود در نامه ای عمر را بنام امیرالمومنین خواند و عده ای دیگر معتقدند که خود عمر روزی بمردم گفت شما مومنین هستید و منم امیرشما هستم بنابراین از امروز مرا امیرالمومنین خطاب نمایند ( علماء شیعه معتقدند که این لقب از مختصات مولا علی علیه السلام است و هیچکس حق ندارد خود را ملقب باین لقب کند حتی ائمه اطهار علیهم السلام و در این باره روایتی علامه مجلسی در جلد هشتم بحار در چاپ کلبانی « از حدیثی که او از ابو بردیه سلمی نقل میکند ) عمر اولین کسی است که دو متعه را حرام کرد یکی متعه نساء و دیگری متعه حج و حال آنکه در سوره نساء آیه ۲۸ و خداوند میفرماید فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن و اکثر تفاسیر واضح آن میگویند مراد از متعه در این آیه متعه نساء ( نکاح موقت با شرایط خاص ) است. امام فخر رازی که یکی از علماء بزرگ عامه است میگوید تمام مسلمین متفقند که متعه در ابتدای اسلام مباح بوده و روایتی نیز از پیغمبر نقل میکند که سالی آنحضرت بمکه مشرف شد، بعضی از زنان مکه خود را زینت نمودند، اصحاب از طول عزوبت خویش به پیغمبر شکایت کردند و آنحضرت فرمود این زنان را متعه نامید ( روایتی هم از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده که فرمود اگر عمر متعه را حرام نمیکرد زنا نمینمود مگر شقی ) به نسانی که یکی از علماء عامه است گفتند شنیده ایم تو متعه کرده ای. مجوز تو در این امر چیست؟ گفت فرموده عمر، گفتند عمر با عبارت صریح متعتان محفلتان فی زمن رسول الله و انا احرمهما متعه را نهی کرده نسانی گفت همین

اقرار عمر که متعه در زمان پیغمبر حلال بود مرا کافیست چون خلیفه حق ندارد حلالی را  
 حرام و حرامی را حلال کند زیرا تشریح از وظایف پیغمبر است نه خلیفه .  
 عمر اولین کسی است که حکم حد زنا را تغییر داد و با آنکه قرآن میگوید  
**الزانی والزانیة فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة** (سوره نور آیه سوم)  
 ( یعنی مردوزن زناکار را صد تازیانه بزنید ) عمر این حد را به هشتاد تازیانه تقلیل داد  
 عمر اولین کسی است که مسجد النبی و مسجد الحرام را وسعت داد و دور مسجد -  
 الحرام را با اندازه يك قامت دیوار کشید و مقام ابراهیم را که در زمان جاهلیت از  
 خانه کعبه جدا بود ولی پیغمبر او را متصل بخانه کعبه نموده بود مجدداً از خانه  
 کعبه جدا نمود ( بطوریکه امروز مشاهده میشود ) عمر خواست در حجر الاسود  
 هم تصرفاتی کند لیکن امیرالمومنین علی علیه السلام ممانعت فرمود «رجوع شود بکتب مفصله»  
 عمر اولین کسی است که قائل به عول ( نقص در فرائض ) شد برخلاف قرآن ،  
 از عبدالله ابن عباس پرسیدند که آیا عول جائز است ؟ گفت باطل است . گفتند  
 پس چرا در زمان عمر نگفتی ؟ گفت از شمشیر عمر ترسیدم .  
 عمر اولین خلیفه است که برای تجسس از خصوصیات زندگی مردم شبها در کوچه  
 ها گردش کرد . شبی عمر از دیوارخانه‌ای بالا رفت دید مردی در اطاق بیاده گساری  
 مشغولست . عمر بآن مرد گفت دیدی خدا ترا رسوا کرد آن مرد گفت اگر من يك عمل  
 شنیع کرده‌ام تو مرتکب سه خطا شده‌ای زیرا اولاً خداوند میفرماید **ولا تجسسوا**  
 ( در زندگی خصوصی مردم دخالت نکنید ) و تو در مقام تجسس برآمدی . ثانیاً  
 خدا میفرماید **واتوا البیوت من ابوابها** ( از درها وارد خانه ها شوید ) و تو  
 از دیوار خانه من بالا آمدی . ثالثاً خدا میفرماید **اذا دخلتم بیوت فامسوا علی اهلها**  
 ( وقتی وارد خانه‌ها شدید بر اهلش سلام بگویید ) و تو سلام نگفتی . عمر شرمزده شد و گفت اگر  
 من ترا عفو کنم توبه خواهی کرد ؟ آن مرد گفت بلی میگویند این مرد ابو موسی بن جعفر بود ( این  
 داستان را صاحب کتاب صراط المستقیم از طبری و رازی و تعلیقه‌های دیگر نقل میکنند )  
 عمر اولین کسی است که در نماز میت چهار تکبیر مردم را امر کرد و  
 حال آنکه در زمان پیغمبر و ابی بکر بر جنازه پنج تکبیر میگفتند ( ابن ابی الحدید  
 میگوید بر جنازه پیغمبر ۷ تکبیر گفتند و بر سایرین پنج تکبیر ، حتی حضرت حسن  
 علیه السلام بر جنازه پدرش پنج تکبیر فرمود ) عمر اولین کسی است که دستور داد  
 مردم نماز مستحبی را در شبهای ماه رمضان بجماعت بخوانند و میگفت اگر چه  
 اینکار بدعت است اما بدعت خوبی است این نمازها معروف شد به **صلوة القراویح** .  
 در زمان خلافت علی علیه السلام ، آنحضرت خواست از این عمل منع کند نتوانست .  
 یکشب برای متفرق کردن مردم فرزندش حضرت حسن علیه السلام را فرستاد ولی  
 مردم فریاد زدند و اعزاز !! بعضی از مورخین عامه میگویند حضرت علی وقتیکه دید چراغهای  
 مسجد روشن است فرمود خدا گور عمر را روشن کند که چراغهای مسجد را روشن نمود  
 عمر اولین کسی است که از روی تعصب عربی جزیره را از نصاری عرب برداشت زیرا آنان گفتند

ما چون نصاری ایرانی جز به نمیدهیم: ای خلیفه، از ما چون مسلمین زکوة بگیر عمر گفت زکات مختص مسلمین است و از شما پذیرفته نیست گفتند ما بیش از حد زکات میدهیم ولی نه بعنوان چیزی به عمر نیز پذیرفت عمر اولین کسی است که بر فرزند خود حد شرابخواری جاری کرد و چون هنوز حد تمام نشده او مرد عمر دستور داد بقیه تازیانه‌ها را بر بدن مرده او بزنند (لیکن از اجرای حد زنا بر مغیره بواسطه دوستی و رفاقت خود داری کرد «مغیره در بصره با ام‌جھیله» زانیه معروف «روابط نامشروع داشت وقتیکه شهود بیدینه آمدند و نفر اول شهادت داد رنگ صورت عمر تغییر کرد و چون دومی شهادت داد بدنش لرزید و چون سومی شهادت داد عمر را لکنت گرفت، هنگامیکه دید نفر چهارم هم میخواهد شهادت بدهد (نفر چهارم زیاد بن ابیه بود) عمر با القام سخنانی او را و ادرا کرد که برخلاف، شهادت بدهد پس دستور داد آن سه نفر را تازیانه زدند و چون برادر زیاد قسم یاد کرد که مغیره زنا کرده عمر باز دستور تازیانه صادر کرد ولی امیرالمومنین علی علیه السلام که حاضر بود به عمر گفت اگر بگریه عیبید (برادر زیاد) را تعذیر کنی من مغیره را گردن خواهم زد در این هنگام عمر از تازیانه زدن منصرف شد عمر اولین خلیفه است که تازیانه (دره) بدست گرفت

عمر اولین کسی است که بیت‌المال و خزانه تعیین کرد و همه مردم حتی زنان پیغمبر را به طبقات مختلف تقسیم نمود تا از بیت‌المال ماهیانه دریافت کنند  
عمر اولین کسی است که از اسبان سواری زکات گرفت  
عمر اولین کسی است که حی علی خیر العمل را از اذان ساقط کرد و بجای اول الصلوة خیر من النوم گذاشت

عمر اولین کسی است که سرزمین سواد را مساحت کرد و از صاحبانش مالیات گرفت  
عمر اولین کسی است که برخلاف زمان پیغمبر و ابی بکر سه طلاق را در یک مجلس جائز دانست  
عمر اولین کسی است که شعر را با بخلت هجو کردن عقوبت نمود

عمر اولین خلیفه است که ایرانیان را آزار کرد بدین معنی که قریب را آزاد نمود تا از عرب و عجم زن بگیرند و عرب را آزاد نمود که از عجم زن بگیرند ولی عجم را از زن گرفتن از عرب منع نمود در حالیکه پیغمبر دختر عموی خود صناعه را برای مقداد بن اسود و زینب را برای زید بن حارثه ازدواج نمود تا مردم بدانند که کفو اسلام است نه طایفه و ثروت (عمر در میراث هم همین رفتار را کرد و دستور داد که عجم از عرب ارث نبرد ولی عرب از عجم ارث ببرد)  
عمر اولین کسی است که مسح بر چکمه را در وضو جائز دانست (برخلاف قرآن که فرمود و امسحوا بروسکم و ارجلکم در حالتیکه پا، اطلاق بر چکمه نمیشود) از واقعی سؤال شد که آیا مسح بر چکمه جائز است؟ گفت از ابی جعفر سؤال کردم فرمود مولی (علی) نمیکرد  
عمر اولین کسی است که از روی تعصب جاهلیت تاریخ اسلام را که باید تاریخ هجرت پیغمبر باشد و هجرت پیغمبر با اتفاق همه مورخین در ربیع الاول بود اول محرم قرار داد زیرا اول سال اعراب جاهلیت اول محرم بود (بقیه در شماره بعد)